

دو نیمه در بهشت

بردن هم لطفی ندارد

امیر پوریا

خواهش کرده بودم که در مسابقه ایران و مکزیک سوای نتیجه، به «بازی» تیم مان نگاه کنیم. حالا هم حرف هایم هیچ ربطی به نتیجه بازی ندارد. اگر بازی با تساوی یا حتی احیاناً برد تیم هم به پایان می رسید، همچنان بر این باور بودم که با این میزان محافظه کاری و «حرف گوش کنی» برانکو این تیم در سطحی بسیار پایین تر از پتانسیل های موجود و استفاده نشده‌اش بازی می کند. اینکه برانکو تصور می کند خط حمله‌ای به غیر از علی دایی و وحید هاشمیان حتماً صدای بعضی از صاحب منصب‌ها را در فدراسیون و این طرف و آن طرف درمی آورد یا مثلاً در اغلب شهرستان‌ها که همچنان نگاه قهرمان‌محور و کاپیتان دوستی دارند، غرغر و گله در پی خواهد داشت؛ اینکه اصلاً انگار مفهوم تعویض در همان نیمه اول یا بین دو نیمه را فراموش کرده و فقط در مواقع ناچاری و بعد از دقیقه ۶۰ ممکن است دست به تعویض بزند؛ اینکه حتی وقتی مهرزاد معدنچی را به زمین می آورد، فقط بازیکن را عوض کرده و هیچ کاری به تغییر شیوه بازی ندارد؛ اینکه وقتی تیمش به زانو درآمد، آرش برهانی را می فرستد و چند بار در امتداد ضلع چپ زمین بی هدف می دواندش، همه و همه نشان می دهد که تفکر جاری در این تیم است که طراوت را از آن گرفته، حتی اگر می برد. این همان نکته‌ای است که بعد از بازی با کرواسی و بعدش بوسنی هم عیان بود: این تیم اگر به همان ترکیب سستی شناخته شده و «مقبول» تکیه کند، تا آخر بازی‌ها همینای است که هست. پیروزی می تواند مثل همین شکست، با یکی دو لحظه و گل اتفاقی به دست بیاید. حتماً در ادامه اش شادی و پایکوبی هم خواهیم کرد. ولی بعد که هیجان مان فروکش کرد، حتماً باید حواسمان باشد که باز تیم از توان و ظرفرات های اساسی اش استفاده نکرد و تصادفاً برد (گفتم که؛ اگر این اتفاق بیفتد). مربی ای که کاظمیان و عنایتی و خطبئی را

در اوج آمادگی و خلاقیت دارد و اقتدر از احتمال بازی در جام دور نگه‌شان داشته که انگیزه‌هایشان هم به اوج رسیده، چطور با یک هاشمیان همیشه در چنبره دو مکزیکی و یک دایی که تعداد دفعات برخوردش با توپ و حتی با بازیکنان حریف از انگشتان دو دست فراتر نمی رود، در خط حمله سر می کند؟ درحالی که علی کریمی را بیشتر از همیشه عقب نگه می دارد و باز هم می بیند که فاصله بین دفاع جلو و هافبک آخرش این قدر زیاد و باز است و همیشه آن منطقه خالی مانده، چطور به تغییر تاکتیک فکر نمی کند و معدنچی را هم با ادامه همان روش وارد زمین می کند؟ طوری که حضور یک بار تازه اصلاً در بازی تیم محسوس نیست؟ نمایش درخشان شجاعی در همین زمان کوتاهی که فرصت بازی بهش داده شد، بالاخره نتیجه‌اش را باید در کدام اعتماد مربی و در چه مقطعی نشان دهد؟ آقای برانکو که می خواهد اسامی دهان پرکن لژیونرهایش را به عنوان انتخاب معقول و محتاطانه، جلوی فدراسیون و مطبوعات ردیف کند تا بگوید من همان تیمی را چیدم که خودتان می خواستید و از اعزایش اسطوره مهارت تکنیکی و دربیلبینگ و بهترین آمار گلزنی در دنیا ساخته بودید، هیچ وقت به این فکر کرده که تنها تفاوت این تیم با تیم لژیونرمحور مورد علاقه او و بقیه ظاهرینان، حضور تیموریان به جای زندی است و اگر مصدومیت/ آنفلوآنزای زندی نبود، از همین یک تغییر مثبت و بازی بسیار پرتلاش آندرانیک هم محروم بودیم؟ به این فکر کرده که فارغ از نتیجه، می تواند بازی اعضای تیمش را در جزئیات و دوندگی و حریفی و باس های نقاط منطقه انجام وظیفه و جسارت درگیری و پاس های درست و تکل های به موقع و کار هم سطح در دفاع و حمله بسنجد و دریابد که آندرانیک بهترین بازیکنش بوده؟ و حواشش به این نکته هست که نبودن جباری در اثر مصدومیت، برای همه ماها که از ترکیب بفرموده تیمش و اینکه تیم اصلی و درست تر را روی نیمکت (یا حتی روی سکوهای ورزشگاه) نشاند، حرص می خوریم، خودش یک جور نفس راحت کشیدن بود؟! فکرش را بکنید، اگر جباری هم در آلمان بود، باید از بازی ندادن او یا بازی دادن و حاکم نکردن شیوه‌ای که از پتانسیل رهبری اش در مرکز زمین بهره ببرد، حرص مضاعف می خوردیم!

دوستی که بازی‌ها را در همان چند دقیقه مانده به شروع شان پیش بینی می کنیم، شاهد است که همین برد ۱-۳ مکزیک را بهش SMS کرده بودم. پس قاعدتاً نباید از این باخت جا بخورم. حیرت و غافلگیری ام از رفتاری است که برانکو دارد با پتانسیل های تیمش می کند. شاید هم اصلاً ما ول معطلیم و این پتانسیل ها برای او هنوز نامکشوف است؟!

گوی بلورین

پیش بینی بازی های داغ امروز

آرش محمדי

بهتاش فریا

بهتاش فریبا پیش بینی هایش را در مورد سه بازی سه شنبه به این شکل عنوان می کند: «برزیل با سه گل کرواسی را مغلوب می کند. فرانسه خیلی قدرتمند است ولی آنها مقابل سوئیس متوقف می شوند. کره جنوبی هم به نظر من یک تیم قدرتمند است و توانایی می دارد که توگو را با نتیجه ۲ بر یک شکست دهد. »

فراز فاطمی

فراز فاطمی هم پیروزی را از آن برزیلی ها می داند: «نتیجه بازی برزیل و کرواسی ۲ بر صفر به نفع تیم برزیل می شود. فرانسه هم با یک گل سوئیس را مغلوب می کند. کره جنوبی و توگو هم در یک سطح نزدیک به نظر می رسند و نتیجه این بازی هم به اعتقاد من یک – یک مساوی تمام می شود.»

بدالله اکبری

«برزیل با دو گل کرواسی را مغلوب می کند. » بدالله اکبری صحبت هایش را با پیروزی برزیلی‌ها آغاز و از اقتدار تیم آمریکای جنوبی صحبت می کند. اکبری در مورد فرانسه – سوئیس هم پیروزی را از آن فرانسوی‌ها می داند: «فرانسه البته ۲ بر یک سوئیس را مغلوب می کند.»

از تحریریه روزنامه «آبلا» (یکی از معتبرترین روزنامه های ورزشی اروپا و پرتغال) تلفن می زند تا از حال و هوا و تب فوتبال در تهران بدانند. ۳ ساعت قبل از بازی است و برای آن که جوابشان را بدهم می گویم که همه امیدوار هستیم که برنده باشیم! (این احساس جمعی و ناسیونالیستی طرفداران فوتبالی است که فقط به دنبال پیروزی هستند.) اما به روزنامه نگار پرتغالی می گویم «اینجا برای فوتبال زندگی دوگانه ای داریم: زندگی مجازی و چشم بسته و موازی با فوتبال حقیقی.» او می گوید که بعد از بازی آرژانتین و آن پیروزی ترسناک هیچ تیمی دوست ندارد که خیلی زود با این تیم روبه رو شود و حتی در نیمه نهایی با این تیم روبه رو شود. همین تفکر در تیم مکزیک وجود دارد و آنها به راحتی اجازه نمی دهند که اعتبار فوتبال‌شان به سادگی از دست برود. »

بازی که تمام می شود همه باور داریم که این زندگی مجازی فوتبال که در آن همه چیز به عنوان تأخیر در زندگی واقعی دخیل بوده و هست ما را از واقعیتی به نام مربی کوچک (برانکو ایوانکوویچ) و تیمی شکننده دور کرده بود. بریان همیلتون و آرسن ونگر هم که کارشناسان یورو اسپرتر هستند از فوتبال حرف می زند و همیلتون می گوید که مکزیک عالی بازی کرد و این فقط بازی اول تیم به نام رسیدن به هماهنگی مورد نظر و دلخواه تیمی به نام مکزیک باید تا بازی دوم صبر کرد و ایران تیمی نبود که بتواند مشکل ساز باشد! همه از فوتبال واقعی حرف می زنند و روزنامه گائزتادلواسپورت هم می نویسد: «برانکو نتوانست تعویض های خوبی داشته باشد و نیمه دوم دفاع کرد اما لااوپله نشان داد که استاد تغییرات و تاکتیک‌ها است. همین طور در مورد میرزاپور اشاره می کند که از ۴ شوت و حمله مستقیم به دروازه ۳ گل می خورد و دایی هم یکی از بدشانسی های بزرگش یکی از بهترین مدافعان دنیا- مارکز- بود. »

حالا به همان نقطه ای رسیده ایم که باید سه سال قبل از آن حرف می زدیم اما اقتدر در آن تأخیر به وجود آمد و از احساسات ناسیونالیستی حرف زدیم و خواستیم برای تأیید از برانکو ایوانکوویچ حمایت کنیم که یادمان رفت که برای تأیید یک مربی کوچک فوتبالمان را فدا کرده ایم، سرمایه ای که ۴ سال سوخت و حالا دیگر چیزی برای جبران وجود ندارد حتی اگر

پتکوویچ:سزاوار چنین شکستی نبودیم



ورزشی ویژه جام جهانی ۲۰۰۶

موشکافی شکست در نیمه دوم

برانکو بزرگ نبود

محسن ابراهیمی



برانکو باز هم بگوید که برای بازی مقابل پرتغال و آنگولا چاره خواهد کرد! و این همان ادامه دادن به زندگی مجازی و موازی است که در این مدت به آن عادت کرده ایم. دقیقاً به یاد دارم روزی که تیم ایران به اردن باخته بود و در هتل گلشهر برانکو- از مربی محتاط خودمان حرف می زنیم- که رنگ به چهره نداشت، یخ و سفید شده بود، اگر آن روز سطح توقع فوتبال جمعی ما بالاتر از این زندگی مجازی بود امروز شرایط بهتری داشتیم و فوتبال را یک نیمه ای نمی دانستیم. امروز همه از برتری و رقابت جانانه در نیمه اول صحبت می کنند، اما برای هیچ تیمی، مربی، بازیکن و طرفداری، فوتبال یک نیمه ای نیست و بخواهیم از آن دفاع کنیم. فوتبال نود دقیقه است و ما این نود دقیقه را ۳ سال پیش در روزهایی که برانکو در خیابان جردن رنگ باخته بود از دست دادیم اما چون زندگی مجازی را دوست داریم و با آن پیش می رویم واقعاً متوجه نشدیم که چرا اینگونه بازی می کنیم. واقعاً شما هم این تابلوی ادوارد مونک را دیده اید: «جیغ». حالا ما چنین شرایطی داریم بدون هیچ توضیح اضافه ای و فقط باید دید و احساس کرد که این تابلو با احساس درونی ما طرفداران فوتبال همراه است. البته همه ما این تیم ملی را دوست داریم و باز هم برایش فریاد می کشیم. اما حداقل اجازه دهیم که این بار کمی منطقی تر باشیم و انتقادهای به جا مانده قبلی را هم بگوییم. تیم ما یک نیمه زشت ترین بازی جام

مکزیک به میدان رفت به جز تیموریان همان تیمی است که ۴ سال در کنار یکدیگر بازی کرده اند و همدیگر را می شناسند و حتی توجیهات برانکو برای اینکه بگوید تیمش را در اختیار نداشته قابل قبول نیست و در واقع همان حرف هایی را می زند که در فوتبال معروف است و می گویند این مربیان کروات برای هر چیزی یک توجیه سی آورند و نمی خواهند بگویند که اشتباه کرده اند یا ناتوان در تحلیل بسیاری از مسائل هستند. برانکو هم در همین رده قرار می گیرد و جدا نیست. این تیم در حقیقت مثل یک تیم باشگاهی بودند و در تمام بازی ها در کنار هم بودند اما در بزرگترین بازی از هم پاشید. دلیل آن هم خیلی واضح است: ۱- تاکتیک و برنامه بازی نداریم ۲- مربی شجاع و خوب نداریم ۳- این تیم ۴ سال پیتر شده است نه جوان تر. همه تیم های دنیا هر سال پوست می اندازند و ما هر سال

پوستمان ضخیم تر شد و کندن آن سخت تر شد ۴- آمار ۴ساله برانکو و فدراسیون فوتبال می گوید که همه آنها محافظه کار هستند تا با تیم های بزرگ بازی نکنیم. این لیست تیم های به اصطلاح بزرگی است که با آنها طی ۴ سال بازی کرده ایم: (آلمان، یازنده)، (کره جنوبی- یازنده) (ژاپن- یازنده) و (کرواسی- مساوی) به اضافه دو برد مقابل ژاپن و کره جنوبی. کدام تیم را در دنیا سراغ دارید که طی ۴ سال فقط ۶ بازی مهم داشته باشد. متر ارزیابی توان این تیم ملی واقعی نبود و هرگز اجازه نداد که واقعیت ها به چشم بیاید. این زندگی موازی و مجازی ما است برای تیمی که دوستش داریم و مربی ای که نمی توانیم دوستش داشته باشیم چون اشتباهاتش بسیار است و نمی تواند مربی بزرگی برای فوتبال بزرگ ایران باشد. باز هم می گویم که برای توجیه پرورنده ۴ساله شکست فوتبال از یک نیمه بازی با مکزیک سوءاستفاده نکنیم. چون فوتبال نود دقیقه ای است. اما این حرف باز هم مطرح می شود که عده ای می خواهند برای برانکو بعد از جام جهانی یک تیم باشگاهی پیدا کنند تا در ایران بماند. آیا شما حاضر هستید آن چهره یخ زده و تابلوی ادوارد مونک را هر روز به یاد بیاورید و باور نداشته باشید که با یک مربی بزرگ و تیمی که پوست انداخته باشد می توانستیم بهتر از این باشیم؟ حیف که حرف های دیگران واقعی تر از دلگرمی های آدم های درونی این فوتبال بود.

تری بوچر:اریکسون کارش را خوب انجام داد



خستگی و آسیب دیدگی شد آنگاه هارگریوز را به بازی آورد تا او حامی خط میانی باشد و وزن تدافعی مرکز میدان را سنگین تر کند. ما در اکثر دقایق بازی پس از خروج مایکل اوون به سیستم ۱-۱-۴ روی آوردیم.

بوچر در ادامه چنین می گوید: «پس همانطور که می بینید از منظر تاکتیکی آنچنان مشکلی نداشتیم. البته به همان نسبت هم نمی توانم بگویم ما کاملاً و به گونه ای آرزمانی خوب ظاهر شدیم. اما بازی های نخست همواره مهم و حیاتی بوده اند. چنین حقیقتی را باید در نظر گرفت. وقتی در بازی هایی از این جنس تیم برتر و برنده میدان باشید همه چیز رو به راه است. بوچر که در جام جهانی ۸۲ برای نخستین بار چهره شد از گرمای کشنده و سرگیجه آور فرانکفورت حیرت زده شده است، می افزاید: «باید گرما و دمای بسیار زجرآور فرانکفورت را نیز در نظر گرفت. یادم می آید در جام جهانی ۸۲ در بیلانو که در آن برهه آفتاب قرمز آنچنان کشنده بود که حتی نمی توانستیم راه برویم چه رسد به فوتبال بازی کردن! من چنین موقعیت هایی را تجربه کرده ام و گمان می کنم دمای فرانکفورت و شدت گرمای آنجا شباهت بسیاری به بیلانو داشت! چنین عاملی را نباید نادیده گرفت که استیوارت داونینگ را در زمین فرستاد آنگاه جو کول را به جلو فرستاد. وقتی هم که «جو» کمی دچار

سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۵

شیر عروسی

خودمان منهای دانش تو

مهدی رستم پور

اگر دستمزد مربی بزرگ را نداشتیم که بپردازیم، اگر دنیزلی و سیموئز را هم عرض برانکو نمی دانستیم، کاش به آنچه خودمان داشتیم قناعت می کردیم. یکی اگر مثل فیروز کریمی یا فرهاد کاظمی روی نیمکت نشسته بود، ترس مغرط نزد بازیکنان ما در نیمه دوم یار دوازدهم حریف نمی شد. کاش جای تمام اطرافیان زیرآب نزن برانکو، یک علی پروین با حربه های برانگیزاننده اش کنار سرمربی نشسته بود. کاش سرمربی بعد از شکست ها حرف نزنند و میخ های تکراری اش را توی اعصاب ملت فرو نکنند. کاش خودمان بودیم منهای دانش تو. اصلاً کاش بلازویچ در جام جهانی ۹۸ از دستیار دیگری کمک می گرفت و جام جهانی دو دوره بعد را برای این مردم «زهر» نمی کرد.

چلنگر بدو، شجاعی بدو

چلنگر به سرعت سمت بازیکنانی می دود که دارند گرم می کنند. این جمله را چندین بار در گزارش بازی شنیدیم. بگذریم از این که وظایف کمک مربیان هم به طور کامل به مترجم محول شده. زیرا به دلیل حساسیت بازی، شاهرخ، فرکی، سجادی و فخرالدین نمی توانستند از روی صندلی تکان بخورند. اما واقعاً اگر برانکو اینقدر برای تعویض ها حمله داشت، خودش چرا به جای دواندن چلنگر یک قدم هم برنداشت.

ضد فوتبال

همزمان با صربستان و هلند، فینال اوپن فرانسه بین راجر فدرر و رافائل نادال هم آغاز شد. این مسابقه مهیج تا دقایق ابتدایی ایران و مکزیک هم ادامه داشت. افراق نکنیم در شیفتگی جهان به فوتبال، قهرمانی نادال در خود زمین رولاندکاروس حدود پانزده هزار تماشاچی داشت. این بازی از تمام دیدارهای روز سوم جام جهانی فوتبال تماشایی تر بود و سازگانش هم مشهورتر.

جاسوس جیج

سرمربی قبل از بازی گفت: «تیروسویچ» جاسوس من در مکزیک است. او این شش ماه را با تیم ملی مکزیک زندگی کرده. برانکو که بعد از پنج سال هنوز موجودیت تیم ایران را مثل شش نمی شناسد، افزود: حالا مکزیک را مثل کف دستم می شناسم. تیروسویچ جاسوس که گاهی اوقات مثل فخرالدین تعادل خود را از دست می دهد، به جای زیرنظر گرفتن تمرینات تیم ملی مکزیک، در این شش ماه در همان منطقه مشغول تماشای تمرینات تیم ملی ترینیداد و توباگو بوده.

اعجاز بی تجربه‌ها

معترضانه می گفتید بازی های تدارکاتی تیم ملی کم بوده. حالا به نظراتان می رسد که انجام همان دو بازی فرمایشی با همشهریان سرمربی هم ضرورتی نداشته. ترکیب اصلی تیم ملی از مقابله با تایوان گرفته تا مبارزه با مکزیک محال است تغییر کند. بعضی ها را حتماً دعوت می کنند. آرش برهانی، مهرزاد معدنچی و مسعود شجاعی باید پچسبند به نیمکت چون بی تجربه هستند. اما همین بی تجربه ها زمانی که تیم سه گل از مکزیک خورد، موظف اند برای معجزه وارد زمین شوند تا از تجربه ای که نداشتن اش بارها از جانب سرمربی به رخ شان کشیده شده مایه بگذارند! راستی آندرانیک بی تجربه چقدر ضعیف تر از حاملین کوله بار تجربه بازی کرد؟

ستاد تقویت دروازه بان ها



فقط یک شرط برای انتخاب دستیارانش تعیین کرد: زیرآبش را نزنند. اینگونه شد که تعداد تمرین دهندگان دروازه بانان تیم ملی به عدد دو رسید. به عدد دو رسید، اما معضل بخل پای میرزاپور در برنامه پنج ساله اول سجادی و فخرالدین برطرف نشد. با در نظر گرفتن همان شرط اساسی برانکو برای انتخاب دستیار، پیشنهاد می شود حجت شاه نباتی، وحید قلیچ، نادر فیادشیران، امیر جلال بشرداد و بهشتی از تیم کادر فنی وزین تیم ملی ملحق شوند تا ضمن نژدن زیرآب دسته جمعی در رفع معضل میرزاپور تعویض می شود و ماتوراس فقط جایگزینی است که منصور رشیدی به دلیل احتمال زدن زیرآب سرمربی و ملحقثاش توصیه نمی شود.

اولویت با مصدومین

«گای دمل» فیکس هامبورگ است. ساحل عاج در هامبورگ با آرژانتین روبه رو می شود اما گای دمل ناباورانه جایی در ترکیب اصلی ندارد. کریستیانو رونالدو تعویض می شود. از دو ستاره آنگولا، آکو تعویض می شود و ماتوراس فقط جایگزینی است که در دقایق آخر به زمین می آید. اما در تیم ما بازیکنی که تمام فصل را روی نیمکت و حتی سکوهای ورزشگاه نشسته و مدت ها است مصدوم و بیمار است، جزء ۲۳ بازیکن قرار می گیرد تا دوران نقاهت خود را در اردوی تیم ملی طی کند! تازه وقتی بازیکنی در کمپ فردریش هافن مصدوم شد، بازیکن مصدوم دیگری از ایران فراخوانده می شود.